



انجمن نوردکاران فولادی ایران (انفا)  
Iranian Steel Rolling Association

## **آثار مداخله دولت در تنظیم بازار محصولات زنجیره فولاد:**

دولت برای کنترل قیمت فولاد و محصولات فولادی در داخل کشور، مجموعه ای از اقدامات فراقانونی را انجام داده است که به دلیل ناکارآمدی و نتیجه بخش نبودن هر کدام از اقدامات، مجبور به صدور بخشنامه یا مصوبه دیگری شده است. این رویه نه تنها موجب بهبود فضای کسب و کار نشده، بلکه نفعی به مصرف کنندگان نهایی کالاها و خدمات (مردم) نیز نرسیده است و عموماً، واسطه ها از اختلاف قیمتی و محدودیتهای ایجاد شده توسط دولت سود برده اند. مهمترین اثر سیاستهای مداخله گرانه قیمتی، دونرخی شدن محصولات زنجیره فولاد و ایجاد زمینه فساد است. سایر آثار سوء سیاستهای مداخله ای در قیمت گذاری محصولات زنجیره فولاد را میتوان در موارد ذیل خلاصه کرد.

### **۱- ایجاد شکاف میان قیمت‌های داخلی و جهانی و افزایش جذابیت صادرات:**

مجموعه اقدامات دولت برای تنظیم بازار محصولات زنجیره فولاد، موجب ایجاد شکاف قابل توجهی میان قیمت‌های جهانی و داخلی شده است. در چنین فضایی تولیدکننده تمایل بیشتری به صادرات پیدا خواهد کرد و عرضه محصول در داخل کشور جذابیتی نخواهد داشت.

### **۲- کم اثر شدن مکانیسم‌های کشف قیمت بر مبنای عرضه و تقاضا در بورس کالا:**

دخالت دولت در تعیین قیمت پایه، میزان عرضه در بورس کالا، تعیین عرضه کنندگان و خریداران مجاز و ابطال برخی معامله ها، این نهاد اقتصادی را به ابزاری در دست دولت

برای تنظیم بازار تبدیل کرده است و کشف قیمت بر مبنای عرضه و تقاضا انجام نمیشود. همین مسئله باعث شده بورس کالا کارایی خود را از دست بدهد، تمایل تولیدکنندگان به عرضه در بورس کالا کاهش یابد، معاملات غیرشفاف و دستوری، جایگزین فضای باز رقابتی شده و زمینه فساد و دور زدن قانون ایجاد شود.

### ۳- به هم خوردن توازن زنجیره فولاد از منظر تأمین مواد اولیه در حلقه های زنجیره :

جذابیت صادرات محصولات زنجیره فولاد به ویژه در حلقه های ابتدایی زنجیره به دلیل وجود بازارهای صادراتی در دسترس و سود بالای تجارت، بیشتر است. بنابراین در فضایی که شکاف قیمتی ایجاد شده، ارزش پول ملی کشور کاهش یافته و تمایل به سرمایه گذاری به دلیل فضای نامناسب کسب و کار پایین است، فعالان اقتصادی تمایل دارند تا به جای توسعه زنجیره ارزش و تولید محصولات با ارزش افزوده بالا، اقدام به صادرات کالاهایی مانند سنگ معدن، کنسانتره، گندله، آهن اسفنجی و شمش فولاد کنند. همین مسئله موجب به هم خوردن توازن زنجیره و کمبود مواد اولیه در داخل شده است.

### ۴- عدم امکان نظارت دولت بر خرید و فروش سنگ آهن، کنسانتره، گندله و آهن

#### اسفنجی:

با توجه به اینکه عرضه مستمر سنگ آهن، کنسانتره، گندله و آهن اسفنجی در بورس کالا انجام نمیشود، امکان نظارت اصولی بر بازار داخلی و صادراتی این محصولات توسط دولت سلب شده است. به طوری که به دلیل نیاز زنجیره به محصولات فوق، خرید و فروش نقدی انواع محصولات فراوری شده زنجیره فولاد، نه با هدف تأمین نیاز زنجیره، بلکه با هدف کسب سود از طریق واسطه گری رونق پیدا کرده است. واردات مواد اولیه به دلیل شکاف میان قیمت‌های داخلی و جهانی، رقابتپذیری و سودآوری تولیدکنندگان کشور را کاهش میدهد و همین امر فضای مساعدی را برای فعالیتهای اقتصادی غیرمولد ایجاد میکند.

## ۵- فعال شدن غیر تولیدکننده ها برای سوءاستفاده از شکاف قیمتی :

دونرخی بودن محصولات زنجیره فولاد و آثار ناشی از آن، یکی از زمینه های اصلی فعال شدن واسطه هاست. واسطه گران به روشهای مختلفی مانند سوءاستفاده از انحصار ایجاد شده در خرید از بورس کالا (ایرادات جدی در سامانه بهین یاب)، احتکار و صادرات با کارتهای بازرگانی یکبار مصرف، سودهای کلانی را کسب میکنند. بنابراین سیاستی که دولت با هدف جلوگیری از تورم و وارد شدن فشار به مصرف کننده نهایی اتخاذ کرده است، بهطور غیرمستقیم فعالیتهای اقتصادی غیرمولد را بهجای تولید رونق داده است.

یکی از مهمترین دلایل سیاستهای مداخله ای دولت، جلوگیری از افزایش نرخ تورم است. بررسی روند افزایش قیمت کالاهای نهایی که مردم به طور مستقیم از آن استفاده میکنند، نشان میدهد که مصرف کنندگان نهایی، بهره ای از سیاستهای تنظیم بازار دولت نمیبند و کالای نهایی مانند مسکن، خودرو، لوازم خانگی و... همچنان با قیمت بالا به دست مردم میرسد و آثار روانی ناشی از عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، نقش اصلی را در افزایش قیمت کالاها ایفا کرده اند.

\*\*\*\*\*

منبع : گزارش شماره ۱۶۹۹۳ مرکز پژوهشهای مجلس ، تلخیص انجمن نوردکاران فولادی  
ایران